

یأس و ناامیدی از ظهور (علل و راه‌های برون رفت)

سید مسعود پورسید آقایی^۱
علی بهبودی^۲

چکیده

در این نوشتار، علل یأس و ناامیدی از ظهور امام مهدی علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است. از آن جا که عقیده به ظهور امام زمان علیه السلام یکی از کلیدی ترین مبانی عقیدتی شیعه اثنا عشری است؛ ناامیدی از تحقق آن، چالشی مهم محسوب می‌شود؛ چرا که پیامدهای خطرناکی در انتظار چنین افراد و جامعه‌ای خواهد بود. در این مقاله، هشت ریشه ناامیدی از ظهور واکاوی شده است؛ عللی همچون طولانی شدن غیبت، شتاب زدگی (استعجال)، تعیین وقت، تطبیق ناصحیح علائم ظهور، عدم معرفت صحیح، ملاقات گزایی، قدرت و تسلط جبهه باطل بر مسلمانان و عملکرد ناصحیح منتظران. همچنین شش پیامد مهم یأس از ظهور بیان شده است که عبارتند از: گریز از امام، بدبینی به امام، انکار امام، سستی و تنبلی، ترک امر به معروف و نهی از منکر و چیرگی بیگانگان. در این پژوهش، با توجه به ریشه‌های ناامیدی و پیامدهای آن، به وسیله روش تحلیلی و کتابخانه‌ای، با استناد به روایات، هشت راهکار مهم و کاربردی برای پیشگیری از این چالش و درمان آن، به این ترتیب بیان کرده‌ایم: استمداد از خدای متعال به وسیله ادعیه مأثور، معرفت امام، تبیین پیامدهای ناامیدی، تبیین صحیح مقوله انتظار، تبیین آثار صبر و تسلیم برای ظهور، توجه به بداء پذیری ظهور، توجه به روایات ناهی از توقیت، تقویت ارتباط معنوی با امام.

واژگان کلیدی: ناامیدی، ظهور، امام زمان، برون رفت از ناامیدی.

۱. استاد حوزه علمیه قم.

۲. دانش پژوه سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول). Ali.Behboodi.110@Gmail.com

«مهدویت»، آرمان بلند شیعه و امت اسلامی است. رویکرد جدی این اندیشه، مدیریت آینده انسان و جهان و زمینه سازی و حرکت در زمینه تحقق جامعه عبودیت محور، به رهبری انسانی آگاه و محیط به انسان و هستی و به دور از هواهای نفسانی است. این آموزه به دلیل اهمیت بی بدیل و جایگاه رفیع آن، چنان که مورد اهتمام و توجه ویژه همه شیعیان است، محل چالش‌ها و آرا و تفسیرها و تحلیل‌های گوناگون و بعضاً متعارض نیز می‌باشد. طولانی شدن دوران غیبت به‌سان خود غیبت، زمینه چالش‌های مختلفی شده است که اندیشه‌ها و نیروها و امکانات را درگیر و راه رسیدن به آرمان را دشوار می‌کند. چالش در زمینه هدفداری و حرکت به سوی آن هدف شکل می‌گیرد. چالش‌ها ممکن است از بیرون و به دست دشمن شکل بگیرند و ممکن است از درون سر بر آورند و افراد و جامعه را درگیر کنند.

یکی از چالش‌های مهم عصر غیبت امام مهدی علیه السلام یأس و ناامیدی مردم از ظهور و فرج است. در این مقاله، ابتدا چالش مذکور و چستی آن تبیین می‌شود؛ در گام دوم، ریشه‌ها و زمینه‌ها و پیامدهای ناامیدی از ظهور مطرح و در گام سوم راهکارهای پیشگیری و درمان ناامیدی از ظهور تبیین خواهد شد.

«چالش»، به معنای وضعیت جدیدی است که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار می‌دهد و حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌کند.^۱

اول: کلیات

۱. طرح مسئله

مسئله اصلی که این نوشتار عهده دار پاسخگویی به آن است، شناخت علل یأس و ناامیدی مردم از ظهور امام مهدی علیه السلام است. که در گام اول، چستی این چالش و در گام دوم ریشه‌ها و زمینه‌ها و پیامدها، و در گام سوم راهکارهای پیشگیری و درمان این چالش تبیین می‌شود. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای است.

یکی از مهم‌ترین دشواری‌های عصر غیبت، چالش یأس و ناامیدی است. این مشکل عمدتاً در به

۱. ذوعلم، تأملی در مفهوم چالش، ص ۳۶.

درازا کشیده شدن دوران غیبت، عدم امید به وعده‌های الهی، سیاه‌نمایی‌ها، هیمنه و تسلط مادی جبهه باطل بر دنیا و مقوله‌هایی چون توقیت، استعجال و عدم درک صحیح از آموزه‌های مهدوی ریشه دارد. شیعیانی که همیشه از نزدیک بودن ظهور برایشان سخن گفته شده است و به همین دلیل، هر روز و شب را به امید ظهور سپری می‌کنند؛ وقتی انتظارشان روزها و ماه‌ها و سال‌های بسیار به درازا بکشد و بلکه با نگاه به گذشته، ملاحظه کنند که این انتظار قرن‌ها به طول انجامیده است و از آن چه به انتظارش نشسته‌اند خبری نیست؛ به‌طور طبیعی از تحقق آن چه در انتظارش نشسته‌اند، ناامید می‌شوند و چه بسا نسبت به سایر عبادات هم سست و کم‌کم حتی مرتکب جرائم خطرناک و بزرگی می‌شوند.

یأس و ناامیدی از ظهور، چالشی است که توان استقامت و ایستادگی مردم را در برابر مشکلات ناشی از عدم حضور امام سلب، بلکه اصل اعتقاد به مهدی موعود را تهدید می‌کند. اعتقاد به آمدن شخصیتی عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز و رهاکننده انسان‌ها از گرفتاری‌های روزافزون، پیشینه‌ای شاید به درازای تاریخ دارد؛ اما این اندیشه همواره مورد هجوم آسیب‌هایی نیز بوده است. گاهی در ادبیات منتظران با جملاتی روبه‌رو می‌شویم که حاکی از نرسیدن و ناامیدی از درک دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بوده و آن را امری محال تلقی می‌کنند.

درباره علل یأس و ناامیدی (به‌صورت مطلق)، مقالات و کتاب‌های متعددی نگاشته شده است؛ از جمله کتاب «عوامل و پیامدهای یأس و ناامیدی (راهکارهای پیشگیری و درمان آن در قرآن و حدیث)» نوشته زهرا رزبان و دل‌آرا نعمتی است. نیز کتاب «یأس و ناامیدی از منظر قرآن و روایات» که الیاس قلی‌پور و دیگران نگاشته‌اند. اما در موضوع علل ناامیدی از ظهور، هرچند برخی نویسندگان، مانند آقای محمدصابر جعفری در کتاب «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها» بصورت کوتاه به آن اشاراتی کرده‌اند؛ ولی متن پژوهشی که به‌طور خاص به این حوزه بپردازد، فقط یک مقاله ملاحظه شد، با عنوان «زمینه‌های یأس از ظهور و راهکارهای زدودن آن از دیدگاه قرآن کریم»؛ نوشته روح‌الله غلامی و علی نبی‌اللهی، مجله پژوهش‌های مهدوی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۳۱.

البته پژوهش مذکور نیز در عین تلاش نویسندگان محترم آن و بهره‌مندی از مؤلفه‌های علمی قابل توجه؛ اولاً، دامنه تحقیق آن‌ها به قرآن کریم و برخی روایات محدود است و ثانیاً، به بررسی مفصل آثار و پیامدهای یأس از ظهور نپرداخته است.

اما تمایز مقاله پیش رو نسبت به مقاله مذکور این است که هم زمینه‌های ناامیدی از ظهور و هم راهکارهای پیشگیری از آن را مورد واکاوی قرار داده و علاوه بر آن، پیامدهای ناامیدی از این امر بنیادین و وعده حتمی الاهی را در سطح وسیعی بیان می‌کند.

۲. مفهوم شناسی یأس و ناامیدی

«ناامیدی» هم معنای واژه «یأس» و «قنوط» است و دو واژه مذکور به معنای ناامیدی از رحمت خدا قطع امید از برآورده شدن آرزوها می‌باشد.^۱ قاموس به نقل از مرحوم طبرسی می‌گوید: یأس آن است که یقین کنیم شیء آرزو شده به‌دست نخواهد آمد.^۲ واژگان یأس و قنوط در یک معنا با هم مشترک اند؛ اما با تعاریفی که از اهل لغت رسیده، واژه یأس اعم از واژه قنوط است.

راغب اصفهانی می‌نویسد: «القنوط، اليأس من الخیر و اليأس، انتفاء الطمع؛ قنوط، ناامید شدن از رسیدن به نیکی و یأس ناامید شدن از دستیابی به آرزوها و خواسته هاست.»^۳ طبیعی است که طمع و خواسته‌های دل، اعم از خیر و نیکی است. در هر صورت، یأس و ناامیدی از لشکریان جهل و شیطان است و در مقابل رجا و امید که از لشکریان عقل است؛ قرار دارد.

در قرآن کریم، آیات فراوانی درباره یأس و ناامیدی از لطف و رحمت الاهی به چشم می‌خورد؛ مثلاً در سوره یوسف، حضرت یعقوب علیه السلام فرزندان خود را به دنبال حضرت یوسف علیه السلام فرستاد. از آن جا که آنان تقریباً اطمینان داشتند که یوسف از بین رفته است و از این توصیه و تأکید پدر تعجب می‌کردند؛ حضرت یعقوب به آنان یادآوری می‌کرد که از رحمت الاهی هیچ گاه ناامید نشوید که ناامیدی از رحمت و لطف الاهی، ویژگی کافران است:

﴿ يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴾؛ پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جست‌وجو کنید و از رحمت خدا ناامید نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا ناامید می‌شوند!^۴

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۶۸۵.

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۵۸.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۶۸۵ و ۶۹۲.

۴. یوسف: ۸۷.

در آیه‌ای دیگر ناامیدی از رحمت خداوند، همتراز گمراهی دانسته شده است:
﴿قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾؛ گفت: جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود؟^۱

همچنین امام علی علیه السلام، در زمینه رویکرد و تأثیر منفی و مخرب ناامیدی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ فَتَلَهُ الْأَسْفُ﴾؛ اگر ناامیدی چیره شود، تأسف شخص را از پا در می‌آورد.^۲ در این حکمت، یأس و ناامیدی به منزله سوهان روح عنوان شده است و با ناکامی رابطه تنگاتنگی دارد که سرانجام آدمی را به گرداب مرگ می‌فرستد. ناامیدی عامل از خود بیگانگی و از دست دادن هویت آدمی است که هر کس گرفتارش شود، سقوط خواهد کرد.^۳

۳. تبیین چالش ناامیدی از ظهور

با بررسی و جستار میدانی در میان مردم، ممکن است افرادی دیده شوند که نسبت به ظهور ناامید باشند؛ هرچند ناامیدی خود را به زبان نیاورند. در عین حال بر اساس شواهد و تجربه‌ها می‌توان دریافت که امروزه بیش‌تر مردم نسبت به ظهور امام علیه السلام ناامید نیستند و نکته‌هایی هایی که در روایات مبنی بر فرج و ظهور پس از یأس داده شده و کلاً مقوله‌های نومیدانه هنوز در بین عموم مردم دیده نمی‌شود، بلکه بیش‌تر مردم، حداقل در ظاهر و گفتار منتظر امام مهدی علیه السلام هستند.

در روایات پیشوایان معصوم نیز خبرهایی از آینده ملاحظه می‌شود که برخی مردم از آمدن موعود و منجی عالم، ناامید می‌شوند؛ تاجایی که حتی برخی منکر وجود او می‌شوند؛ به عنوان نمونه:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا أَبَا الْجَارُودِ إِذَا دَارَتْ أَلْفَلَكُ وَ قَالَ النَّاسُ مَاتَ الْقَائِمُ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ وَ قَالَ الطَّالِبُ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ قَدْ بُلِيَتْ عِظَامُهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَارْجُوهُ فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَأْتُوهُ وَ لَوْ حَبْنُوا عَلَى الثَّلْجِ؛ ابوالجارود می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای ابوالجارود! چون زمانی برسد که مردم بگویند: قائم مرده و یا هلاک شده و در کدامین وادی سلوک می‌کند؟ و طالب بگوید: کجا قائمی وجود دارد، حتی استخوان‌های او پوسیده است؛ در این

۱. حجر: ۵۶.

۲. شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۴۸۷، ح ۱۰۸.

۳. قائمی و دیگران، عوامل ناامیدی و راهبردهای انگیزشی نهج البلاغه در درمان آنها، ص ۵۴.

هنگام به او امیدوار باشید و چون دعوت او را شنیدید، نزد او بروید؛ گرچه به صورت سینه خیز بر روی برف باشد.^۱

این روایت، نمونه‌ای از وعده‌های ائمه معصوم علیهم‌السلام، نسبت به وقوع چالش ناامیدی از ظهور در آینده است و هرچند به طور صریح به یأس اشاره است؛ مفهوم روایت واضح است که عده‌ای از مردم (بر اثر دلایلی که در ادامه خواهد آمد) از این وعده الهی ناامید می‌شوند و حتی این چالش در گذر زمان به اندازه‌ای بحرانی می‌شود که برخی به فوت امام قائل می‌شوند.

دوم: علل و ریشه‌های یأس و ناامیدی

۱. طولانی شدن غیبت

به درازا کشیده شدن غیبت کبریا، امری است که روایات فراوانی به آن تصریح کرده اند. به عنوان مثال، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً حَتَّى تَضِلَّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يَقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ مهدی از اولاد من، اسم و کنیه او اسم و کنیه من و در خلقت و اخلاق شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبتی است که مردم به حیرت افتند تا آن جا که از دینشان گمراه می‌شوند. در آن هنگام، مانند شهاب ثاقب ظهور و دنیا را پر از عدل و قسط می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده بود.»^۲

این روایت به طولانی بودن غیبت امام علیه‌السلام تصریح می‌کند که در نتیجه مردم به مشکلاتی دچار می‌شوند. افرادی که در طول زندگی، مقوله ظهور حضرت را شنیده و خوانده اند و احیاناً از نزدیک بودن ظهور و پدیدار شدن برخی از علامات ظهور، شنیده‌اند؛ اکنون پس از گذشت سالیان متمادی و طولانی و عدم تحقق آن وعده‌ها، ممکن است مردم از اصل ظهور امام علیه‌السلام ناامید شوند.

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲. همان، ص ۲۸۷.

۲. عجله داشتن در تحقق امر ظهور

علت دیگر ناامیدی از ظهور، «استعجال» است. «استعجال»، به معنای عجله کردن و خواستن چیزی است قبل از رسیدن وقت و تحقق زمینه‌های لازم آن^۱. افراط و تفریط در هر امری مذمت شده است؛ از جمله در بحث ظهور که استعجال در آن امری افراطی و استبعاد آن امری تفریطی است و هر دو نیز مذمت گردیده است. دور شمردن ظهور، وجه مقابل استعجال است که سبب بی تفاوتی و قساوت قلب می‌شود^۲.

در روایات عجله داشتن در تحقق ظهور و شتابزدگی در این امر بسیار نکوهش شده است. مرحوم صدوق در کمال الدین نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام فرمودند: «يُهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ؛ شتابزدگان درباره آن [=ظهور] هلاک می‌شوند.»^۳ امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ لِهَذَا الْأَمْرِ. إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةً يَنْتَهِي إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَّغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا و لَمْ يَسْتَأْخِرُوا؛ شتاب مردم برای این کار [=ظهور] آن‌ها را هلاک کرد. خداوند برای شتاب مردم، شتاب نمی‌کند. برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر مدت آن سرآید، نه ساعتی جلو می‌افتد و نه ساعتی تأخیر می‌شود.»^۴

این امر ممکن است که زمینه و مقدمه تحقق هلاکتی که بر اساس روایات به شتابزدگان هشدار داده شده است؛ همان ناامیدی ای باشد که بر اثر استعجال به فرد یا افراد دست می‌دهد و زمینه‌ای خطرناک می‌گردد که آنان را تا مرز هلاکت دنیوی و اخروی سوق دهد. پدیده استعجال می‌تواند معلول یکی از دو عامل ذیل باشد:

الف) سطحی نگر بودن انسان و فقدان دورنگری و عادت ندادن خود به دیدن افق‌های دورتر زندگی و توجه به منافع و مصالح بسیار نزدیک و محسوس و زودگذر و غفلت از مصالح آینده و اهداف بزرگ رسالت جهانی و فراگیر امام زمان عجله الله فرجه؛

۱. رمضانیان، شهاب ثاقب، ص ۱۱۵.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۷.

ب) آگاهی نداشتن به مسیر طبیعی و منطقی تحولات اجتماعی و عدم شناخت قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عدم توجه به این نکته که ظهور از سنت‌های الهی است و مانند همه سنت‌ها باید پس از تحقق همه زمینه‌ها انجام گیرد.^۱

باتوجه به دو عامل مذکور، می‌توان دریافت کسانی که به عللی، مانند نزدیک‌نگری و سطحی‌اندیشی و عدم توجه به زمینه‌های تحقق امر ظهور، دچار استعجال در امر ظهور می‌شوند، پس از مدتی و به تدریج به یأس دچار شده و گام به گام از اعتقاد آن‌ها به وجود امام حی و منجی عدالت گستر کاسته می‌شود و چه بسا در نهایت از اصل امر ظهور امام مهدی علیه السلام ناامید گردند.

۳. تعیین وقت ظهور امام علیه السلام

«توقیت»، یکی دیگر از دلایل ناامیدی و یأس عده‌ای از ظهور حجت خداست. یکی از هشدارهای جدی ائمه معصوم علیهم السلام در مسئله مهدویت، بحث «توقیت» و «تعیین وقت برای ظهور» است. در روایات متعددی از وجود تعیین کنندگان وقت و مذمت آن‌ها یاد شده است که در بخش راهکارهای پیشگیری و درمان، بیش‌تر به آن خواهیم پرداخت.

تعیین وقت، هم تعیین وقت قطعی را شامل می‌شود؛ مانند این که کسی بگوید ظهور در فلان سال است و هم تعیین وقت به صورت بیان دوره زمانی معینی را در برمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که از آن، دوره زمانی خاصی اراده و فهمیده شود. همچنین توقیت می‌تواند به صورت تصریح به زمان ظهور باشد، و هم به شکل اشاره و تصریح به وقوع برخی علائم که به ظهور متصل هستند.^۲

زمینه‌ها و خاستگاه‌های توقیت عبارتند از:

۱. تعجیل در امر فرج؛ ۲. عوام فریبی بر اثر هوا و هوس؛ ۳. توهم و خیال پردازی؛ ۴. تطبیق نادرست آثاری که از قدرت‌های روحی و ریاضت‌ها به دست می‌آورند؛ یعنی چیزهایی را پیش‌بینی می‌کنند؛ اما در تطبیق آن‌ها اشتباه صورت می‌دهند و در واقع تصور می‌کنند آنچه پیش‌بینی کرده‌اند، ظهور است و لذا برای ظهور تعیین وقت می‌کنند.^۳

۱. رمضانیان، شهاب ثاقب، ص ۱۱۵.

۲. همان، ص ۱۳۰.

۳. جعفری، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، ص ۵۰.

بنابراین، تعیین وقت ظهور، امری است که حتی اگر از سوی بزرگان سیاسی و دینی مشهور و صاحب نفوذ انجام شود، ممکن است بر اثر عدم تحقق ظهور در زمان تعیین شده، هم خود آن‌ها و هم عموم جامعه مسلمین در معرض یأس و ناامیدی از این امر حتمی قرار گیرند.

۴. تطبیق ناصواب

از جمله علل مهم یأس و ناامیدی از ظهور، «تطبیق» است؛ به این معنا که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آن روایات را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. گفتنی است بر اساس مفاد روایات این امر خطیر، تشخیص مؤلفه‌ها و علائم سپاه حق و باطل بر عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که در عصر غیبت کبرا، به عنوان «نواب عام» عهده دار امور گشته اند.^۱ گاهی اوقات، بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده‌های موجود بر می‌آیند و بدین وسیله از نزدیک بودن ظهور و احتمال قریب الوقوع بودن آن خبر می‌دهند. البته صرف تطبیق روایات بر حوادث، موجد آفت و آسیب نیست، بلکه آفت قضیه، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن چند روایت و بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و عدم بهره‌مندی از قدرت تشخیص صحیح و سقیم روایات، در این زمینه مطالبی مطرح می‌کنند؛ یعنی بدون داشتن تخصص در زمینه امر ظهور، به اظهار نظر در این مقوله می‌پردازند.

مسئله مهمی که نباید فراموش شود، پیامد خطا در تطبیق و عدم تحقق آن تطبیق بر علائم ظهور است؛ زیرا اشتباه در این زمینه، شک و تردید برخی از افراد را در سایر مطالب ارائه شده و حتی تردید در اصل مهدویت را باعث خواهد شد و همچنین سبب یأس و ناامیدی بسیاری از افراد، بر اثر عدم وقوع ظهور می‌گردد. از جمله افراد و اشخاصی که در گذشته و حال مصادیقی برای ظهور قلمداد تعیین شده‌اند، افرادی مانند یمانی، خراسانی، سفیانی و شعیب بن صالح هستند که به مرور زمان کذب بودن این تطبیق‌ها و آثار منفی آن در اعتقادات و اعمال و اخلاق مردم دیده شده است.^۲ در سال‌های اخیر نیز مستندی به نام «ظهور نزدیک است» از سوی عده‌ای تهیه شد که افراد مذکور (یمانی، خراسانی، سفیانی و شعیب بن صالح) را بر افرادی در عصر امروز تطبیق دادند و آثار مخربی را در بین عده‌ای از

۱. همان، ص ۵۳.

۲. رمضانیان، شهاب ثاقب، ص ۱۸۱.

متدینان ایجاد کرد؛ به طوری که آنان را تا مرز ناامیدی از اصل ظهور کشاند.

۵. ملاقات گرایی

از جمله خطرهایی که در عصر غیبت در کمین منتظران قرار دارد، «ملاقات گرایی» است که ممکن است در نهایت به ناامیدی و یأس از ظهور منجر شود.

هستند کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می‌پندارند و از اجرای بقیه وظایف واجب غافل‌اند و دیگران را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه فرا می‌خوانند. نیز مدعیانی هستند که بی دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند و گاهی گرفتن دست خط از امام یا آوردن پیام از طرف آن حضرت را مدعی می‌شوند! این امر رفته رفته و در طول زمان، در کنار عدم توفیق دیدار و ملاقات با حضرت، به یأس و ناامیدی از ظهور ختم می‌گردد؛ چرا که به زعم افراد مذکور، فرد تمام وظیفه خود را در این دنیا ملاقات با امام دانسته و چیزی در این زمینه به دست نمی‌آورد؛ و یا از ارتباط با افراد مدعی دیدار، جز پوچی وعده‌ها ندیده است و چه بسا شب و روز خود را برای رسیدن به این توفیق صرف می‌کند و لذا حال که پس از زمان طولانی، دست خود را خالی می‌بیند و طبیعی است که این رویه به ناامیدی از ظهور منتهی گردد.

۶. عدم معرفت آموزه‌های مهدویت و برداشت‌های نادرست از آن

گاهی علت یأس و ناامیدی از ظهور امام علیه السلام، «عدم بینش و درک صحیح از آموزه‌های مهدوی» است. به عنوان نمونه در موضوع «انتظار فرج» برداشت‌های مختلفی قابل تصور است: برخی افراد انتظار فرج را در دعا برای فرج و امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی منحصر می‌دانند و بیش‌تر از آن وظیفه‌ای برای خویش قائل نیستند.

صورت دوم این‌که به زعم برخی افراد، امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی نیز ضروری نیست؛ چون در دوران غیبت، کاری از آمران به معروف و ناهیان از منکر بر نمی‌آید و لذا تکلیفی بر عهده کسی نیست. امام زمان علیه السلام هنگام ظهور کارها را شخصاً حل می‌کنند!

صورت سوم چنین است: جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد نباید داشت تا زمینه

ظهور - که دنیایی پر از ظلم و فساد است - فراهم آید.

صورت چهارم: نه تنها نباید جلو مفسد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آن‌ها دامن زد تا زمینه ظهور حجت عجل الله فرجه هر چه بیش تر فراهم آید.

صورت پنجم آن که هر حکومتی به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام است. از منظر قائلان به این دیدگاه، هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات معتبر است؛ زیرا در روایات آمده است که هر علم و پرچمی که قبل از ظهور قائم عجل الله فرجه برافراشته شود، باطل است.^۱

در موضوع غیبت امام عجل الله فرجه نیز برداشت‌های نادرستی وجود دارد که به ناامیدی از اصل ظهور منجر می‌گردد. برخی غیبت حضرت را به معنای «عدم حضور» معنا کرده و گروهی از ایشان معتقدند، حضرت مهدی عجل الله فرجه مانند حضرت عیسی عجل الله فرجه به آسمان رفته است.^۲

در حالی که غیبت در مقابل «ظهور» است؛ نه در مقابل «حضور». غیبت به معنای عدم ظهور است، نه عدم حضور. در واقع امام حاضر است؛ گرچه ظاهر نیست. ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله فرجه هستیم، نه منتظر حضور امام. امام را غایب نامیده‌اند؛ بدان دلیل که ایشان از نظرها غائب هستند؛ نه این که در جامعه حضور ندارند. به عنوان مثال: نیروی جاذبه در همه جا حاضر است؛ ولی ظاهر نیست. یا مثلاً روح در وجود ما، حاضر است، ولی ظاهر نیست.^۳ روایات نیز حضور حضرت را در جامعه به ما یادآوری می‌کنند؛ از جمله:

«صاحبِ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ فُؤُوشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ...»^۴ ... صاحب این امر، میان آنان آمد و شد می‌کند؛ در بازارهایشان گام برمی‌دارد و قدم بر فرش‌های ایشان می‌گذارد و آنان او را نمی‌شناسند، تا این که

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۴، ح ۹.

۲. جعفری، اندیشه مهدوی و آسیب‌ها، ص ۵۷.

۳. رمضانیان، شهاب ثاقب، ص ۱۸۵.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ح ۴.

خداوند او را اجازه فرماید که خودش را معرفی کند؛ همان گونه که خداوند یوسف را اجازه فرمود...»^۱
 عده‌ای دیگر، حضرت را در دور دست‌ها (جزیره خضرا و ...) پنداشته و برخی هر گونه امکان دیدار با
 حضرت را نفی کرده‌اند؛ در حالی که این دیدگاه‌ها نادرستند و با روایات ما سازگار نیستند. مطابق
 روایات، حضرت مهدی بر خلاف حضرت عیسی علیه السلام، به آسمان نرفته، در میان مردمان است و در
 شهرها و بازارها و ... قدم می‌نهد^۲. هر سال در موسم حج حاضر می‌شود؛ مردم را می‌بیند و می‌شناسد و
 مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند:

«وَاللّٰهُ اِنَّ صَاحِبَ هٰذَا الْاَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَسِرُ النَّاسَ وَيَعْرِفُوهُمْ وَيَرَوْنَهُ وَلَا
 يَعْرِفُوْنَهُ»^۳ و الله صاحب الامر همه ساله در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند و می‌شناسد و
 مردم نیز او را می‌بینند؛ اما نمی‌شناسند^۴.

برخی معتقدند بین غیبت و حضور هیچ تفاوتی نیست. لذا توقع دارند حضرت در هر امری دخالت
 کند. این دیدگاه نیز به خطا راه پیموده است؛ زیرا اگر قرار باشد حضرت به صورت مستقیم در هر کاری
 دخالت کنند یا همه به محضرشان مشرف شوند؛ دیگر غیبت معنایی ندارد^۵.

بنابراین، با عدم فهم صحیح از آموزه‌های مهدوی و عدم معرفت به امام زمان علیه السلام، شبهاتی در ذهن
 برخی مردم ممکن است ایجاد شود، مبنی بر این که اگر امامی در این دنیا هست، چرا در رفع گرفتاری
 عموم مسلمانان در مناطق مختلف دنیا اقدامی نمی‌کند. چه بسا این عدم شناخت و برداشت‌های غلط
 از آموزه‌های مهدوی پیامدهای مهمی را موجب گردد که مقدمه همه آن‌ها ناامیدی از ظهور امام
 مهدی علیه السلام است.

۷. قدرت و تسلط جبهه باطل بر جهان و ظلم همه جانبه علیه مسلمانان

یکی دیگر از علل ناامیدی نسبت به مقوله ظهور، «افزایش روز افزون ظلم فراگیر در سراسر جهان»،

۱. غفاری، ترجمه الغیبه، ص ۲۳۴.

۲. جعفری، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، ص ۵۷.

۳. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۰.

۴. پهلوان، ترجمه کمال الدین، ج ۲، ص ۱۷۰.

۵. جعفری، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، ص ۶۰.

به ویژه علیه مسلمانان است که از سوی حکومت‌های مستبد و خونریز تحمیل می‌شود. مثلاً رژیم جعلی اسرائیل که بیش از هفتاد سال از تأسیس این مجموعه منحوس می‌گذرد، نه تنها سال‌هاست در فلسطین مشغول خونریزی است، بلکه بارها نسبت به ترور و قتل بسیاری از مسلمانان و دانشمندان در سایر ملل به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، اقدامات فراوانی انجام داده است که ترور دانشمندان هسته‌ای یکی از مصادیق آشکار این مقوله است.

طی سال‌های اخیر نیز دولت‌های مستکبر، با همراهی کشورهای مرتجع منطقه خاورمیانه، در پی حاکم کردن دولتی جعلی به‌نام داعش برای جنگ نیابتی در منطقه بودند که در تحقق این خواسته، تاکنون فقط در کشور سوریه بیش از پانصد هزار انسان بی‌گناه در طول هفت سال به قتل رسیده‌اند.^۱ مشاهده رخدادهایی که حاکی از ظلم گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مسلمانان جهان است، در کنار ضعف ایمان به وعده‌های الهی، و نیز سستی باورها و عقاید مهدوی، در برخی افراد، به سیاه‌نمایی، برداشت‌ها و تحلیل‌های نادرست منتهی گشته که در نهایت به یأس و ناامیدی از اصل ظهور منجر می‌شود؛ مبنی بر این‌که مگر ممکن است حجت خدا این فجایع و ظلم فراگیر را ببیند و ظهور نکند؟!

۸. عملکرد ناصحیح منتظر نمایان و داعیه داران نظام اسلامی

در پایان این بخش، می‌توان به دلایل دیگری برای یأس از ظهور اشاره کرد که از جمله آن‌ها «بی‌تقوایی و اعمال و رفتار نادرست» منتظرانها و بزرگان و رؤسای نظام اسلامی است. امام صادق علیه السلام در وصف حوادث آخرالزمان و وضعیت اصناف گوناگون در آن عصر چنین می‌فرماید: «... وَ رَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ؛ بر روی منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور می‌دهند؛ ولی گوینده خود به گفته خویش عمل نمی‌کند.»^۲ وقتی مردم فردی را در لباس روحانیت و یا در منصب و جایگاه مهمی از نظام اسلامی می‌بینند که داعیه دار انتظار ظهور است؛ اما عملکردش نه تنها برخلاف «انتظار» و «منتظر» است، بلکه اقداماتی همسو با دشمنان از او دیده می‌شود؛ در چنین حالتی این رفتارها در انحراف عقیده بسیاری از مردم حتی بر عرصه جامعه جهانی مسلمانان تأثیر منفی

۱. به نقل از سایت یورونیوز fa.euronews.com.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۴۱.

گذاشته و چه بسا مردم را به ورطه یأس از امر ظهور سوق می‌دهد.

سوم: پیامدها

یأس و ناامیدی از ظهور، چالشی بسیار مهم و دارای پیامدهایی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

باید توجه داشت که این وضعیت، امکان هرگونه اصلاح و رشد را از میان می‌برد و از معاضدت و تعامل افراد جامعه منتظر در اجرای وظایف و تکالیف خود می‌کاهد. این وضعیت، بروز بحران‌ها و انحرافات فکری و عملی خاصی را موجب می‌شود که همچون گذشته تاریخ، خطر وقوع آن‌ها محتمل است.^۱

۱. گریز از امام و آرمان‌های او

از جمله پیامدهای ناامیدی از ظهور، «گریز از ولی خدا و آرمان‌های» ایشان است. اهداف عالی امام علیه السلام از منظر چنین افرادی ارزشی ندارد و اینان گرفتار روزمرگی شده‌اند. در شرایطی که افراد به وضعیت زندگی بسنده کرده و از کسی که می‌خواهد این وضع زندگی را تغییر دهد، شناخت کافی ندارند و از آمدن منجی عالم ناامید شده‌اند؛ رفته رفته از این عامل تغییر، فاصله گرفته و از آن گریزان خواهند شد.^۲

۲. ایجاد بدبینی به شخصیت امام علیه السلام

گاهی استمرار بی‌تفاوتی یا گریز از آرمان‌های حجت خدا، به «بدبینی نسبت به موعود منتظر» منجر خواهد شد؛ چرا که فرد در طول عمر خود به آمدن منجی معتقد بود؛ اما به دلایلی که تعدادی از آن‌ها سابقاً ذکر شد، اکنون به تحققش هیچ امید ندارد و به همین دلیل، چه بسا در مهلکه بزرگی گرفتار شود که نسبت به امامش بدبین گردد و طبق روایت ذیل از اعتقاد به ظهور برگردد:

«قَالَ لِي يَا أَبَا الْجَارُودِ إِذَا دَارَتْ الْفَلَكَ وَ قَالَ النَّاسُ مَاتَ الْقَائِمُ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ وَ قَالَ

۱. میرتبار، آسیب شناسی جامعه منتظر، ص ۱۷۹.

۲. رک: میرتبار، آسیب شناسی جامعه منتظر، ص ۱۷۴.

الطَّالِبُ أَتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ قَدْ بَلَيْتُ عِظَامَهُ ...^۱؛ ابوالجارود می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: ای ابوالجارود! زمان به پیش برود، تا جایی که مردم بگویند قائم مرده و یا هلاک شده و در کدامین وادی سلوک می‌کند؟ و جوینده [موعود] بگوید: کجا قائمی وجود دارد؛ استخوان‌های او نیز پوسیده است...».

۳. انکار وجود امام علیه السلام

گاهی ناامیدی از ظهور، پس از طی مراحل، ممکن است به «انکار وجود امام علیه السلام» منجر گردد؛ همان طور که برخی افراد و جریان‌های انحرافی، اعم از گمراه و بد راه و به تعبیر قرآن ضال و فاسق؛ به انکار و نفی مهدی و مهدویت کشیده می‌شوند.^۲ برخی روایات نیز گوشه‌ای از اوضاع دوران غیبت را چنین ترسیم کرده اند؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمودند:

«...كَذَلِكَ غَيْبَةُ الْقَائِمِ فَإِنَّ الْأُمَّةَ سَتُنَكِرُهَا لِطَوْلِهَا فَمَنْ قَاتِلٍ يَهْدِي بِأَنَّهُ لَمْ يُولَدْ وَ قَائِلٍ يَقُولُ إِنَّهُ يَتَعَدَّى إِلَى ثَلَاثَةِ عَشَرَ وَ صَاعِدًا وَ قَائِلٍ يَعْصِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِقَوْلِهِ إِنَّ رُوحَ الْقَائِمِ يَنْطِقُ فِي هَيْكَلِ غَيْرِهِ...^۳؛ غیبت قائم مانیز چنین است [=شبهه غیبت حضرت عیسی علیه السلام]: زیرا امت اسلام به واسطه طولانی شدن غیبتش وجود او را انکار می‌کنند. بعضی خواهند گفت: هنوز متولد نشده و گروهی می‌گویند: متولد شده؛ اما وفات کرده است و طایفه‌ای می‌گویند: امام یازدهم علیه السلام عقیب بوده، و جماعتی ائمه علیهم السلام را سیزده تن و بیش‌تر خواهند دانست. عده‌ای هم می‌گویند: روح قائم علیه السلام در بدن دیگری سخن می‌گوید!»

البته انکار امام مهدی علیه السلام خود معلول چندین علل است؛ اما چه بسا یکی از علل آن، ناامیدی از ظهور باشد. بنابراین، در روایات نسبت به انکار امام علیه السلام هشدارهای جدی ملاحظه می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می‌فرماید:

«الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ اِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ اَطَاعَهُ فَقَدْ اَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ اَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ اَنْكَرَنِي وَ مَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي اِلَى

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲. صدرا، گفتمان مهدویت و چالش‌های آسیب‌شناسی، ص ۱۰۷.

۳. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۵۵.

اللَّهُ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَ الْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَ الْمُضِلِّينَ لِأَمْتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۱؛ هر کس در زمان غیبتش منکر وی شود، وجود او را انکار کرده است. هر کس او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده است و آن کس که وی را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است. به خدا شکوه می‌برم از کسی که آنچه را درباره او گفته‌ام، تکذیب کند یا منکر شود یا امت مرا از راه او بر گرداند؛ و آن‌ها که ستم کردند، به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست^۲.

این فرموده حضرت گویای جدی بودن این آسیب و خطر است. پیامبر ﷺ همچنین در این زمینه می‌فرمایند: «هر کس وجود فرزندانم قائم را انکار کند، منکر من شده است»؛ حتی آن حضرت تأکید می‌کنند: «هر کس قائم ما را در زمان غیبتش انکار کند، مانند مردم جاهلیت از دنیا می‌رود»^۳.

بنابراین، بر اثر غیبت طولانی امام عصر ﷺ بعضی افراد وجود و نقش ایشان را در اداره جهان هستی انکار می‌کنند که این اعتقاد می‌تواند از پیامد دیگر ناامیدی از ظهور محسوب شود و چه بسا به همین دلیل مقوله طولانی شدن غیبت مورد توجه رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته است و آن را پیش‌گویی کرده‌اند.^۴ یأسی که خود می‌تواند معلول طولانی شدن غیبت باشد. از دیگر پیامدهای مهم این مقوله، برگشتن مردم از اعتقاد به وجود امام علیهم السلام است؛ چنان‌که امام کاظم علیهم السلام از اوضاع مردم دوران غیبت چنین خبر می‌دهند:

«إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَالَّهِ اللهُ فِي أَدْيَانِكُمْ - لَا يَزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ افْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ لَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَ أَجْدَادُكُمْ دِيناً أَصَحَّ مِنْ هَذَا لَا تَتَّبِعُوهُ؛ زمانی که فرزند پنجم از امام هفتم غایب گردد، خدا را خدا را در امر دینتان. احدی شما را از دینتان دور نکند. فرزندم! صاحب این امر را از غیبت گریزی نیست. آن غیبت ادامه پیدا می‌کند تا آن‌جا که کسانی که به این امر قائل و به آن معتقد هستند، از آن بر می‌گردند. این غیبت امتحان و آزمایشی است از خدای عزوجل که

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۹.

۲. دوانی، ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار، ص ۲۸۴.

۳. همان، ص ۲۸۵.

۴. رمضانیان، شهاب ثاقب، ص ۲۴.

خلاق را با آن می‌آزماید و اگر پدران شما و اجدادتان دینی صحیح تر از این سراغ داشتند، حتماً آن را پیروی و تبعیت می‌کردند»^۱.

۴. سستی و تنبلی و قانع بودن به وضع موجود

سومین پیامد یأس از ظهور و فرج، تنبلی و بی‌مسئولیتی و «قانع بودن به وضع موجود» است. به عبارت دیگر، چنین افرادی و در سطحی گسترده چنین جامعه‌ای، برای پیشرفت و تحقق اهداف و ارزش‌های الهی و انسانی تلاشی نمی‌کنند و قدمی در زمینه تحقق وضعیت بهتری در هیچ یک از عرصه‌ها بر نخواهند داشت؛ درحالی‌که روایات اهل بیت علیهم‌السلام منتظران را به تلاش و کوشش در زمینه‌سازی برای ظهور، توصیه و حتی از قبل، آمدن زمینه سازان را وعده داده‌اند. در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین آمده است:

«يَخْرُجُ نَاشٍ مِنَ الْمَشْرِقِ يُوطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ مردمی از مشرق زمین، برای زمینه‌سازی سلطنت و حکومت امام مهدی علیه‌السلام خروج می‌کنند»^۲.

۵. ترک امر به معروف و نهی از منکر

نامیدی و بی‌تفاوتی جامعه منتظر، مهم‌ترین اثر خود را در ترک وظیفه «امر به معروف» و «نهی از منکر» نشان خواهد داد. در جامعه منتظر، همه افراد در انتقال و آموزش صریح یا پنهان ارزش‌ها و هنجارها و نیز نظارت بر اجرا یا تخطی از آن‌ها نقش بسزایی دارند و بی‌تردید همین امر بقای باورهای فرهنگی و در نتیجه حفظ وحدت و انسجام عقیدتی و دینی جامعه منتظر را موجب می‌شود. پرداختن به امر به معروف و نهی از منکر که لازم و ملزوم یکدیگر به حساب می‌آیند و توأم اثر بخش هستند؛ اهمیت بی‌نظیر خود را در مصونیت اجتماع از ناهنجاری‌ها نشان می‌دهند و طبیعی است که اگر این دو فریضه در ساختار اجتماعی از جایگاه خود برخوردار نباشند، جامعه، پیامدهای ناگواری خواهد داشت^۳. به همین دلیل، حضرت علی علیه‌السلام اعلان خطر کرده، چنین تذکر می‌دهند:

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. بحرانی، حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۴۶۹.

۳. میرتبار، آسیب‌شناسی جامعه منتظر، ص ۱۸۰.

«مفاسد آشکار شده، نه انکار کننده و تغییر دهنده‌ای پیدا می‌شود و نه باز دارنده‌ای به چشم می‌خورد. آیا با این وضع می‌خواهید در دار قدس خدا و جوار رحمتش قرار گیرید و عزیزترین اولیائش باشید؟! هیهات! خدای را دربارهٔ بهشت جاویدانش نمی‌توان فریفت و هیچ کس به جلب رضایتش قادر نیست؛ مگر با اطاعت از او. خداوند امر کنندگان به معروف را که خود ترک کننده معروفند و نیز نهی کنندگان منکر را که خود مرتکب آن می‌شوند، لعنت می‌کند.^۱»

البته ممکن است ترک امر به معروف و نهی از منکر، معلول علل مختلفی، از جمله ضعف ایمان، اعتقادات و ناامیدی از اصلاح جامعه نیز باشد؛ اما طبیعی است که اگر فرد یا افرادی نسبت به ظهور امامی که خود بزرگ‌ترین داعی به معروف و ناهی از منکر است ناامید شوند؛ دیگر در بین مردم انگیزه‌ای برای اجرای این فریضه الهی نخواهد بود و آن را ترک می‌کنند و بنابر اخباری که اوضاع دوران غیبت را تشریح کرده‌اند، به مراتب شرایط بدتری در غیبت کبرا ایجاد می‌شود؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ وَ شَرُّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرُّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؛ چگونه خواهید بود، زمانی که زنان شما فاسد و جوانان شما فاسق شوند، نه امر به معروف می‌کنید و نه نهی از منکر؟! عرض کردند: یا رسول الله! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، از این هم بدتر خواهد شد! عرض کردند: یا رسول الله! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری، از این هم بدتر می‌شود. چگونه خواهید بود وقتی که ببینید معروف، منکر گشته و منکر معروف می‌شود؟^۲»

۶. چیرگی بیگانگان و ذلت در برابر آنها

«انفعال و ذلت در برابر بیگانگان»، پیامد ششم چالش ناامیدی از ظهور است؛ چرا که چنین فرد و جامعه‌ای پس از این‌که بر اثر ناامیدی دچار تنبلی و سستی در امور شدند؛ به‌طور معمول انگیزه‌ای برای مبارزه با بیگانگان نخواهد داشت و از طرفی چون تلاشی برای تحقق وضع بهتر تلاشی صورت

۱. رضی، نهج البلاغه، ۱۸۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۹.

نمی‌دهند؛ ذلت در برابر دشمنان را به ناچار باید بپذیرند و این، در حالی است که منتظران واقعی ظهور باید از انگیزش بسیار بالایی برای زمینه سازی برخوردار باشند و به هیچ عنوان اجازه چیرگی و سلطه بیگانگان را ندهند؛ چرا که هم آموزه‌های قرآنی، مانند «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»^۱ بر آن تأکید کرده و هم امامان معصوم علیهم‌السلام بر آن سفارش اکید داشته‌اند:

«أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ مَنْ أَزْبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهِ أَمْرَنَا وَيَغِيظُ بِهِ عَدُوَّنَا وَهُوَ مُنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ»^۲ نمی‌دانی هر که در انتظار فرج پاکشی داشته باشد، و دشمن ما را خشمناک کند که به دشمنی ما منسوب است؛ خدا روزی‌اش را برگشاید و سینه‌اش را باز کند و او را به آرزویش رساند و در کارهایش کمک او باشد»^۳.

چهارم: راهکارهای پیشگیری و درمان

۱. استمداد از خدای متعال به وسیله ادعیه مأثور

انسان منتظر، در هر مشکل و چالشی باید قبل از هر راهکاری از پروردگار مهربان طلب یاری کند و در این دنیای پر از آشوب و فتنه‌ها، به معصومان علیهم‌السلام متوسل شود و از خود آنان ثبات در قدم، عقیده و مصونیت از هرگونه انحراف و در نهایت عاقبت بخیری را مسئلت کند. بنابراین، یکی از راهکارهای مهم و اساسی در پیشگیری و درمان هر چالشی، به ویژه چالش یأس و ناامیدی از امر ظهور، ادعیه مأثوری است که برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱. در دعایی که در عصر غیبت باید خواند، آمده است: «... وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحٌ أَمْرٍ وَلِيَّكَ فِي الْإِدْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِرِّهِ فَصَبِّرْ نِي عَلَيَّ ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحَبَّ تَعْجِيلَ مَا أَحَزَّتْ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلَتْ وَ لَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَ لَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ وَ لَا أَنْزَاعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَ لَا أَقُولَ لِمَ وَ كَيْفَ وَ لَا مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ قَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ

۱. انفال: ۶۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۳۵.

۳. کمرهای، آسمان و جهان، ج ۸، ص ۱۱۸.

وَ أَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ ... ؛ خداوندا! تو خود به ذات خود آگاهی، بدون آن که کسی تو را آگاه کرده باشد، به زمانی که صلاح امر ولایت در آن است، تا به او اجازه فرمایی امرش را اظهار و سرش را آشکار کند. پس مرا بر امر غیبت اوصبر و شکیبایی عطا کن، تا آنچه تو تأخیرش را خواهی من تعجیلش را نخواهم و آنچه تو تعجیل آن را خواهی من تأخیرش را نطلبم و آنچه را تو مخفی می‌داری، افشای آن را نخواهم و آنچه را کتمان فرمودی، پی جویی نکنم و هرگز در تدبیر امور عالم با تو نزاع و اعتراض نکنم. [در قضا و قدر تو چون و چرا نکنم] و نگوییم چه شده است که ولی امر ظاهر نمی‌شود و حال آن که زمین پر از فساد شده است، بلکه تمام امورم را به تو واگذارم...»^۱

۲. در بخش دیگری از دعای عصر غیبت چنین می‌خوانیم: «... وَ قَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ اَنْصَارِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرِ سَاكِنِينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا مُكَدِّبِينَ...؛ بار الاها! ما را بر اطاعت او قوی و بر پیروی از او ثابتمان دار، و در حزب و یاورانش و رضایتمندان به رفتارشان قرارمان ده! در حیات و ممات آن را از ما سلب منما! تا آن که جانمان را با این ایمان بستانی، بدون هیچ شک و تردید و یا روی گرداندن از آن حضرت و یا تکذیب آن بزرگوار...»^۲

۳. در دعایی که برای امام مهدی عجل الله، از سوی امام رضا علیه السلام به شیعیان توصیه شده، آمده است: «... وَ قَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ اٰمَنُّنَا عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِاَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمَنَاصِحَتِهِ حَتَّى تَخْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّمَةِ سُلْطَانِهِ اللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهٖ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبُ بِهٖ اِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحَلِّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ اَعِدْنَا مِنَ السَّاقَمَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهٖ لِدِينِكَ وَ تُعَزُّ بِهٖ نَصْرًا وَ لِيْلِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَاِنَّ اَسْتَبْدَلَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْنِكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ؛ ... خداوندا! ... و ما را بر اطاعت او قوی و بر دنبال روی وی ثابت بدار! به پیروی از او بر ما منت گذار و از حزب او قرارمان ده؛ همان‌ها که به امر او قیام و در همراهی او صبر و استقامت و در جلب رضایت تو برایش خیرخواهی می‌کنند تا در روز قیامت ما را در

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۸۹.

۲. میرتبار، آسیب شناسی جامعه منتظر، ج ۲، ص ۵۱۳.

زمرهٔ یوران و تقویت کنندگان سلطنت او محشور فرمایی! بارالها! آن را برای ما خالی از هر شک و شبهه و ریا و خود نمایی قرار ده، تا فقط به خاطر تو این کار را انجام دهیم! تا آن که ما را همراه او گردانی و در بهشت نزد او قرارمان دهی و از خستگی و کسالت و سستی، دورمان دار! ما را از کسانی قرار ده که با ایشان دینت را یاری می‌کنی و پیروزی و ولایت را محکم می‌گردانی و دیگری را جایگزین ما مگردان؛ چرا که جایگزین کردن دیگری به جای ما برای تو آسان است؛ و لکن بر ما سخت و گران است»^۱.

۲. شناخت و شناساندن حجت خدا و امام عصر عجل الله فرجه

بدیهی است که ضعف در ایمان و باور و عدم معرفت به امام زمان عجل الله فرجه زمینه سست شدن عقیده افراد و جامعه را فراهم می‌کند و در پی آن، یأس و ناامیدی از ظهور را خواهد آمد. پس می‌توان گفت که اولین وظیفه منتظران امام عصر عجل الله فرجه، برای پیشگیری و درمان ناامیدی از ظهور، «معرفت افزایی» نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛^۲ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است».

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: منظور از این جاهلیت چیست؟ آن حضرت فرمودند: «جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ؛^۳ منظور، جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است».

البته در عرصه معرفت به امام عصر عجل الله فرجه توجه به سه معرفت محوری ضروری به نظر می‌رسد: الف) تمام مقام‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به جز مقام نبوت و رسالت، برای امام زمان عجل الله فرجه و سایر امامان معصوم علیهم السلام ثابت است؛ زیرا پیامبر اکرم فرمودند:

«يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛^۴ ای علی! نسبت تو به من، مانند رابطه هارون به موسی است؛ با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست».

۱. طوسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۴۱۱، به نقل از میرباقری، روزگار مردم پیش از فرج، ص ۱۰۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۴. صدوق، الأمالی، ص ۴۰۷.

ب) نهایی ترین وظیفه و هدف امام زمان عجل الله فرجه که حتی ظلم ستیزی و عدالت گستری حضرت مقدمه آن به شمار می آید؛ گسترش معرفت و عبودیت حق تعالی در سرتاسر زمین و زمان بین همه آدمیان است.

ج) حضرات معصوم علیهم السلام و از جمله امام عصر عجل الله فرجه به بالاترین درجات معرفت و عبودیت خدا نایل آمده اند و وجود مقدس شان تجلی گاه معرفت حضرت حق گشته است؛ به گونه ای که هر کس بخواهد خداوند را بشناسد، باید به مقام معرفت ایشان نایل گردد، بنابر بعضی روایات، معرفت الله کامل بدون معرفت امام حاصل نخواهد شد؛ چنان که آمده است: «الْسَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ؛ سلام بر دل های شما که محل شناخت خداست».^۲

بعد دیگر معرفت به امام، توجه به فواید امام غایب است. آگاهی به هدف اصلی خلقت، امان خلق به اذن خدا از فنا و زوال، به واسطه فیض الاهی بودن امام؛ و امید آفرینی و یأس زدایی، از جمله فواید مهم وجود امام غایب است. امامی که غایب است و قرار است در آینده ظهور کند، انتظار می آفریند و انتظار، مایه امیدواری است؛ امیدواری به آینده ای روشن، چراغ راه و از بزرگ ترین اسباب موفقیت و پیشرفت است. این ویژگی مختص شیعه است که به انتظار اعتقاد دارد؛ ولی در سایر فرقه ها احساس پوچی و یأس فراوان است.^۳

۳. تبیین عواقب و پیامدهای ناامیدی

همان طور که در حوزه سلامت جسمی افراد و جامعه، به منظور عدم ابتلا به انواع بیماری ها، به رعایت اصل پیشگیری توصیه شده است، این مهم را در حوزه سلامت عقیدتی، فرهنگی و دینی نیز می بایست به کار ببریم.

اصل این است که در جامعه، آسیب و انحرافی پدید نیاید و در صورت پدید آمدن، مزمن نشود تا نیاز به درمان و اصلاح و احیاناً سختگیری و زندان باشد. یکی از راهکارهای زیبای قرآن، پیشگیری از بستر

۱. عبارتی از زیارت جامعه کبیره.

۲. رمضانیان، شهاب ثاقب، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۲۰۵.

سازی انحطاط است.^۱ قرآن برای کسانی که خواستار شیوع زشتی‌ها و گناهان قبیح، میان افراد با ایمان هستند، در دنیا و آخرت، عذابی دردناک تعیین می‌کند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲ همانا کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

بنابراین، با تبیین دقیق هر یک از پیامدهای مذکور در مقاله که هر کدام هشدار بزرگی برای منتظران ظهور است؛ می‌توان به منظور پیشگیری یأس از ظهور اقدام کرد.

۴. تبیین صحیح مقوله انتظار و شرایط قیام امام

با توجه به این که یکی از علل یأس و ناامیدی از ظهور، «عدم آگاهی کامل از آموزه‌های مهدوی»، مانند انتظار یا تلقی نادرست از آن هاست؛ «تبیین صحیحی از مقوله انتظار فرج» می‌تواند در پیشگیری و درمان چالش ناامیدی از ظهور، تأثیر بسزایی داشته باشد. در ادامه به چند نکته راهبردی مهم در باب مقوله انتظار و شرایط حرکت و قیام حضرت اشاره می‌کنیم:

۱. حرکت امام زمان عجل الله فرجه مانند امور دیگر روال طبیعی دارد، و قرار نیست همه امور، معجزه آسا صورت گیرد؛ چنان که امام رضا عجل الله فرجه فرمودند:

«لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمًا عجل الله فرجه لَمْ يَكُنْ إِلَّا أَلْعَلْقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَى الشَّرُوحِ...»^۳ اگر قائم عجل الله فرجه خروج کند، به‌جز لخته‌های خون و عرق ریختن و بر روی زین‌های اسبان خفتن چیزی نخواهد بود.

۲. تحقق قیام امام عصر عجل الله فرجه زمینه سازی و آمادگی می‌طلبد؛ همان‌طور که در روایات، عده‌ای به عنوان زمینه سازان حکومت مهدی عجل الله فرجه نام برده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ يُؤَطَّوْنَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای فرمانروایی حضرت مهدی عجل الله فرجه فراهم می‌کنند»^۴.

۱. میرتبار، آسیب شناسی جامعه منتظر، ص ۱۹۱.

۲. نور، ۱۹.

۳. ابن ابی زینب، الغیبه، ص ۲۸۵، ح ۵.

۴. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. اگر اصلاح به صورت کامل مقدور نیست، وظیفه اصلاح در حد توان، ساقط نشده است.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

۴. احکام و قوانین اسلام برای اجرا و تحقق وضع شده‌اند، نه برای خواندن و بحث کردن و نوشتن. مثلاً قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی، اجرای کارهایی را از مسلمانان خواسته‌اند که این کارها فاقد قید و محدودیت زمانی هستند و همیشه باید اجرا شوند؛ مانند انجام دادن واجبات دینی و ترک محرمات. این اطلاق، مخالف حرف کسانی است که معتقدند: جامعه باید به حال خود رها شود و به فساد آن نباید کاری داشت یا باید به فساد دامن زد تا زمینه ظهور فراهم شود. منطق این افراد مخالف روح اسلام است؛ زیرا حرف آن‌ها با ترک واجبات و اجرای محرمات ملازم است. به عنوان مثال: اگر خانه کسی آتش گرفت، آیا خودش آتش را خاموش نمی‌کند و منتظر می‌ماند تا آتش نشانی برسد یا تا رسیدن آتش‌نشانی نهایت تلاش خود را در خاموش کردن آتش صورت می‌دهد؟!^۱ جواب روشن است.

۵. تبیین آثار صبر و تسلیم و رضا، برای تحقق امر ظهور

راهکار دیگر، تبیین آثار صبر و تسلیم در امر ظهور امام زمان عجل الله فرجه است. افراد و جامعه‌ای که از این نکته مهم بی اطلاع باشند، طبیعی است که پس از اندک زمانی دچار یأس از ظهور گردند. و البته گاهی اوقات این بی بصیرتی زمینه و بستر تعجیل خواهد شد؛ اما اهل بیت علیهم السلام عجله کردن در برخی امور را مذمت کرده‌اند؛ از جمله عجله در ظهور، که روایات مربوط به این بحث، در قسمت علل ناامیدی بیان شد.

توجه به این نکته راهبردی که ائمه علیهم السلام، ما را به صبر و تسلیم در برابر حکم الهی برای تحقق امر ظهور دعوت کرده‌اند و اجر و پاداش کسی را که بر این امر شکیبایی ورزد؛ به مثابه جهاد در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند.^۲ در این زمینه برخی از روایات را بیان می‌کنیم:

۱. جهاد در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

«أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَدَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولٍ

۱. رمضان، شهاب ثاقب، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۱۱۷.

اللَّهُ وَاللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۱ آگاه باشید که صبرکنندگان در غیبت او بر آزار و تکذیب، مانند جهادکنندگان با شمشیر در رکاب رسول خدا ﷺ هستند».

۲. در زمره اهل بیت علیهم السلام و در علیین بودن:

«... أَنْ مَنِ انْتَهَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَيَّ مَا يَرَى مِنَ الْأَدَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي زُهْرَتِنَا...»^۲ کسی که منتظر امر ما باشد و در این راه بر آزار و ترس و وحشت صبر کند، روز رستاخیز در جرگه ما خواهد بود».

۳. تمجید صابران از زبان رسول خدا ﷺ:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِي»^۳ خوشا بر سعادت صبر کنندگان در زمان غیبت امام مهدی ﷺ».

۴. امام باقر علیهما السلام در تفسیر آیه شریفه «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِعُوا»^۴ فرمودند:

«اصْبِرُوا عَلَيَّ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدْوَكُمْ وَ رَابِعُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَهَر»^۵ ای مؤمنان! در بهجا آوردن امور واجب خود، صبر و تحمل داشته باشید و در برابر دشمنانتان، پایداری ورزید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و با امام منتظر خود، پیوند و رابطه ناگسستنی داشته باشید».

همچنین فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ»^۶ هرکس باشناخت امامش بمیرد، پیش افتادن این امر یا به عقب افتادن آن به اوضری نرساند. کسی که با معرفت امامش بمیرد، همانند کسی است که [= به پا خاسته] در خدمت قائم علیهما السلام در خیمه آن حضرت باشد»^۷.

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۷.

۳. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۶۰.

۴. آل عمران: ۲۰۰.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۱۳.

۶. همان، ص ۳۳۰.

۷. جعفری، اندیشه مهدویت و آسیب ها، ص ۴۱.

۶. توجه به بداء پذیری ظهور

توجه دادن افراد و جامعه به «بداء» پذیر بودن وقت ظهور امام عصر علیه السلام و علائم آن، راهکار بسیار قوی و مؤثر دیگری بر پیشگیری و درمان ناامیدی از ظهور امام است.

بداء نسبت به خداوند، به این معناست که خداوند چیزی را مطابق اوضاع و شرایطی مقرر دارد و سپس به واسطه تغییر اوضاع و شرایط، آن را تغییر دهد و چون ما خداوند تبارک و تعالی را «فعال مایشاء» می‌دانیم و معتقدیم که او هر چه را مصلحت بداند، صورت می‌دهد و هر روز در کار تازه‌ای است و او دست بسته و کنار نشسته نیست؛ این تغییر را صورت خواهد داد و این تغییرات عین مصلحت است. البته خداوند آنچه را تغییر می‌دهد، پیش از آن که چیزی را بیافریند، از آن آگاه بوده است.^۱

اصل ظهور امام زمان علیه السلام امری است قطعی و وعده‌ای است الهی که قطعاً و یقیناً انجام می‌پذیرد و هیچ‌گونه تغییری در آن واقع نخواهد شد؛ اما وقت این ظهور مبارک، بنابر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده، ممکن است مقدم یا مؤخر گردد؛ جلو بیفتد یا به تأخیر بینجامد و در واقع وقت قطعی و لایتنجیر برای آن وجود ندارد. تقدیم و تأخیر چیزی، از موارد بداء محسوب می‌شود. نتیجه بسیار مهمی که از اعتقاد به بداء پذیر بودن وقت ظهور و ناگهانی بودن آن به دست می‌آید؛ آن است که امر فرج امام زمان علیه السلام بر حصول زمینه و مقدمه‌ای که با دفعی بودن آن منافات داشته باشد، نیست^۲ و حتی در چندین روایات، بر اصلاح امر ظهور در یک شب تأکید دارند:

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الْمُهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ»^۳ مهدی از ما اهل بیت است. خداوند امر ظهور او را در یک شب اصلاح می‌کند.

۲. به پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله گفته شد: ای رسول خدا! آن قائم که از نسل شماست، چه وقت ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمودند: «إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»^۴.

۳. امام جواد علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُصْلِحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ

۱. رمضان، شهاب ثاقب، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۱۵.

۴. خراز رازی، کفایة الأثر، ص ۲۵۰.

مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ ذَهَبَ لِيُقْتَبَسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ وَهُوَ رَسُولٌ نَبِيٌّ؛^۱ همانا خداوند تبارک و تعالی امر ظهور ایشان را در یک شب اصلاح می‌فرماید؛ همان طور که کار کلیم خود، حضرت موسی عليه السلام را [یک شبه] اصلاح فرمود؛ آن‌گاه که برای به‌دست آوردن آتش برای اهل خویش رفت و در حالی برگشت که پیامبر فرستاده شده بود».

۴. حضرت مهدی عليه السلام نیز در نامه خود به شیخ مفید می‌نویسند: «... فَإِنَّ أَهْرَنَّا بَعَثْنَا فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ...»^۲ فرمان ما به طور ناگهانی فرا می‌رسد، هنگامی که توبه فایده‌ای ندارد».

مقصود از اصلاح امر حضرت در یک شب آن است که خداوند عزوجل مقدمات یاری و پیروزی او را در اسرع وقت و در یک شب فراهم کرد و او را به ظهور مأمور خواهد کرد. بنابراین، همه امید مؤمن موحد به فرج الاهی است و آن‌گاه که خداوند بخواهد رحمت خود را شامل حال بندگانش کند به فراهم شدن زمینه‌های عادی بشری احتیاج نیست. پس شیعیان منتظر باید در هر زمانی وقوع فرج را ممکن و عملی بدانند و در هیچ شرایطی از تحقق آن ناامید نشوند.^۳

۷. توجه به مذمت و نهی روایات از تعیین وقت برای ظهور

همان طور که در علل یأس از ظهور گذشت، یکی از عوامل، «تعیین وقت» برای این امر بود. بنابراین، با تبیین صحیح روایات ناهی از هر گونه توقیت، می‌توان بستر مناسبی برای روشننگری، افزایش بینش، پیشگیری و درمان این چالش فراهم کرد.

باید دانست که روایات ما از پنهان بودن زمان ظهور خبر داده و تعیین کنندگان زمان آن را دروغ گو خطاب کرده و به تکذیب آن‌ها امر می‌کنند.

۱. به نقل از امام صادق عليه السلام: «يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيْتًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُؤَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا»^۴ ای محمد! هر کس از جانب ما زمانی [برای ظهور] نقل کرد، بدون هیچ واهمه‌ای او را تکذیب کن؛ چرا که ما برای هیچ کس [حتی خواص] زمان تعیین نمی‌کنیم».

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳. رمضان، شهاب ثاقب، ص ۱۵۸.

۴. ابن ابی زینب نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۹.

۲. در قسمتی از توقیعی که از ناحیه امام زمان عجل الله فرجه به دست محمد بن عثمان (نایب دوم آن حضرت) بیرون آمد، چنین آمده است: «... وَ أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ كَذَبُ الْوَقَاتُونِ...»^۱ اما ظهور و فرج: پس آن با خداست [هر وقت او اجازه فرماید] و تعیین کنندگان وقت برای آن، دروغ می‌گویند».

۳. صقر بن دلف می‌گوید: از امام جواد علیه السلام چنین شنیدم: «... لَهُ غَيْبَةٌ يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطْوِلُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ حُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»^۲ گفتیم: چرا او را منتظر می‌گویند؟ فرمود: زیرا او را غیبتی است که ایامش زیاد شود و مدتش طولانی گردد. پس مخلصان در انتظار قیامش هستند و شاکان او را انکار و منکران، یادش را استهزا و مسخره کنند و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ می‌گویند، و شتاب کنندگان در آن هلاک می‌شوند و تسلیم شوندگان در آن نجات می‌یابند».

بر این اساس، هر کس با هر مقام و جایگاهی که دارد، اگر برای ظهور، وقتی معین کرده است، باید تکذیب گردد^۳ و همین تکذیب، از پدید آمدن یأس و ناامیدی در افراد و جامعه پیشگیری می‌کند.

۸. تقویت ارتباط معنوی با امام

از آن جایی که فرد یا جامعه منتظر به ارتباط معنوی با امام خویش نیاز مبرم دارد؛ می‌توان این امر را راهکار بسیار مهمی برای پیشگیری از یأس و ناامیدی از ظهور و درمان آن تلقی کرد. کسی که با امام خویش ارتباط معنوی ندارد، طبیعی است که پس از مدتی از ظهور ناامید گردد.

راه‌های تقویت ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله فرجه:

برای تقویت ارتباط معنوی با امام عصر عجل الله فرجه راهکارهایی است که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱. خواندن ادعیه و زیارت‌هایی، مانند دعای عهد، آل یاسین، ندبه و ادعیه روزانه و هفتگی و مناسبت‌های مختلف؛

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. همان، ص ۳۷۸، به نقل از میرباقری، روزگار مردم پیش از فرج، ص ۸۲.

۳. رمضانیان، شهاب ثاقب، ص ۱۳۰.

۲. توجه به مسئله عرضه اعمال مردم بر امام زمان علیه السلام که لازمه آن، احساس نظارت همیشگی امام علیه السلام بر اعمال ماست؛

۳. ارتباط مالی و عاطفی با امام زمان علیه السلام توجه به وجوب خمس و ادای آن که از آن امام می‌باشد و استحباب پرداخت صدقه یا نذر برای سلامتی امام زمان علیه السلام؛

۴. توسل به امام مهدی علیه السلام و توجه ویژه به او برای رفع مشکلات فردی و اجتماعی و درخواست شفاعت از او؛

۵. تبلیغ و ترویج نام و یاد امام مهدی علیه السلام در میان افراد خانواده و محله و جامعه؛

ارتباط پیوسته اعتقادی و تشکیلاتی و عاطفی با نایبان عام امام عصر علیه السلام؛ همان عالمان عادل و با تقوا که شایسته منصب رهبری مردم از طرف آن حضرت در عصر غیبت هستند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه درباره علل یأس و ناامیدی از ظهور امام زمان علیه السلام گذشت، در می‌یابیم ناامیدی از فرج مهدی موعود علیه السلام چالشی است مهم، که پیامدهای منفی آن، حوزه‌های مختلف اجتماعی، عقیدتی و دینی را شامل می‌شود و متأسفانه فرد و جامعه را تا مرز انکار امام و در نهایت، انفعال و خودباختگی در برابر دشمنان پیش می‌برد. و این نکته‌ای است که به‌طور ویژه باید مورد توجه قرار بگیرد و اقدامات لازم برای پیشگیری از آن ضروری است و اگر جامعه به آن مبتلا شد، لازم است درمان گردد. ناامیدی از ظهور امام مهدی علیه السلام از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است که نه به صورت دائمی و کلی، و نه به شکل موقت و جزئی؛ حتی برای لحظه‌ای از مؤمنان پذیرفته نیست. همه امید مؤمن منتظر به فرج الاهی است و هر زمان که خدای تبارک و تعالی بخواهد، آن ظهور عظیم رخ خواهد داد. پس باید در هر زمانی وقوع ظهور و فرج را ممکن و عملی بدانیم و در هیچ شرایطی از تحقق آن ناامید نشویم.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی زینب (نعمانی)، محمد بن ابراهیم، کتاب الغيبة، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار فی أحوال محمّد وآله الأطهار، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
۴. پهلوان، منصور، ترجمه کمال الدین و تمام النعمة، دارالحديث، قم، ۱۴۱۱ق.
۵. جعفری، محمدصابر، اندیشه‌ی مهدوی و آسیب‌ها، بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۹۱.
۶. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۷. دوانی، علی، مهدی موعود، ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۸.
۸. ذوعلم، علی، تأملی در مفهوم چالش، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۳۶، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۱۰. رمضانیان، علی، شهاب ثاقب، آسیب شناسی مباحث مهدوی، نقش نگین، اصفهان، ۱۳۹۲.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. صدرا، علیرضا، گفتمان مهدویت و چالش‌های آسیب شناسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۵.
۱۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۴. _____، الخصال، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
۱۵. _____، الأمالی، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶.
۱۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۸. _____، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، مؤسسة فقه الشيعة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۹. غفاری، محمد جواد، ترجمه الغيبة نعمانی، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۶.
۲۰. قائمی، مرتضی؛ یزدانبخش، کامران و امیریان، طیبه، عوامل ناامیدی و راهبردهای انگیزشی نهج البلاغه در درمان آنها، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۱، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۲.
۲۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۳. کمره‌ای، محمد باقر، *آسمان و جهان*، ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الانوار، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۵. میرباقری، سیدمحمدحسین، *روزگار مردم پیش از فرج*، نشر هاجر، قم، ۱۳۹۸.
۲۶. _____، *انتظار فرج*، نشر هاجر، قم، ۱۳۹۸.
۲۷. میرتبار، سید محمد، *آسیب شناسی جامعه منتظر*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، قم، ۱۳۹۰.

